

ادامه از صفحه ۲

چه کسی دستور پرخورد با دانشجویان را صادر کرد؟

تاجزاده در پاسخ به این موضوع که با یکی از فرماندهان تماس گرفت و از خطر قرمز سخن گفت و ظاهرا او با شما تماس گرفت و شما با موتور به سمت دانشجویان رفتید و مسیر آنها را تغییر دادید، گفت: «این هم اتهام دومی است که از من پرسیدند و گفتند شما موتور سوار شدید و به سمت دانشجویان رفتید. من آنجا گفتم اگر شما بتوانید ثابت کنید من آن روز سوار موتور شدم همه حرف‌هایم را پس می‌گیرم.. موتورسواری مال روزی است که جمعه به دانشگاه رفته بودیم. همه بچه‌ها حتی بسیجی‌های کوی را زده بودند. شبی که با دکتر معین و آقای ربیعی بچه‌ها را آرام می‌کردیم، یک‌مرتبه خبر آوردند که یک نفر کشته‌شد. رفتیم و دیدیم شب بود او را زدند. در ۱۸ تیر کسی کشته نشده بود. یک نفر آمده اسلحه کشیده و او را زده بود. در فیلمش هم مشخص است که ضارب از قبل هدفش را شناسایی کرده بود.»

تاجزاده در گفت‌وگویی دیگر هم بیان کرده که اصلا نیروی انتظامی به‌صورت عملی کل اختیار وزارت کشور نبود؛ «همه می‌دانستند که وزیر کشور کاره‌ای نیست، یعنی پلیس مستقل بود و کار خودش را می‌کرد. مثل الان که فرمانداری مجوز می‌دهد اما نیروی انتظامی زیر نظر او برگزار می‌کنست ر لغو می‌کند. همه می‌دانند که پلیس اسما زیر نظر وزارت کشور است اما عملا از جای دیگری دستور می‌گیرد.» او در ذکر روایت آنچه در ۱۸ تیر گذشت گفته بود: «عده‌ای از دانشجویان بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر به روال قبل که به دلایل مختلف صنفی و سیاسی در داخل کوی دانشگاه تجمع اعتراضی نریا می‌کردند و معمولا وارد خیابان کارگر شمالی می‌شدند و سپس با همراهی پلیس به خوابگاه برمی‌گشتند، این بار نیز در اعتراض به سرتن روزنامه سلام در کوی تجمع کردند و بعد وارد خیابان کارگر شمالی شدند. در این اثنا مأموران کلانتری محل در کنار دانشجویان حضور پیدا کردند و دانشجویان نیز مانند گذشته به‌صورت مسالمت‌آمیز به سمت کوی برگشتند. در آستانه ورود به کوی میراحمدی، فرمانده اطلاعات کلانتری که لباس شخصی به تن داشت، با یکی از دانشجویان درگیری می‌شود. هنگامی که مدیر کوی برای وساطت به سمت آنان می‌آید با برخورد فرمانده مزبور به داخل جوی می‌افتد. این حرکت ناپسند سرآغاز اعتراض دانشجویان می‌شود و فضا را از حالت طبیعی تا حدودی خارج می‌کند و تقوی محمودی می‌آفریند و با درایت طرفین حل می‌شود. اگر آن اتفاق نمی‌افتاد، تجمع مانند گذشته به‌صورت ساده و مسالمت‌آمیز پایان می‌یافت. هم‌زمان فرمانده ناجای تهران بزرگ با فرمانده حاضر در محل تماس می‌گیرد و می‌گوید که من دارم با یگان ویژه به محل می‌آیم. اولین مسئله‌ای که باید روشن شود این است که او به دعوت یا دستور چه مقامی و به چه دلیلی به آنجا رفت؟ چرا در هیچ تظاهرات دانشجویی قبلی به کوی نرفته بود؟ دوم اینکه چرا به فرمانده حاضر در کوی دستور داد دانشجویان را نگه دارید تا من برسم؟ به چه دلیل باید دانشجویان را نگه می‌داشتند؟ تظاهرات که می‌شود، منطقی‌ترین کار این است که دانشجویان را قانع کند به کوی برگردند و به تظاهرات خاتمه دهند نه اینکه نگاهشان دارند تا یگان ویژه برسد. سوم اینکه به اعتراف خود سردار نظری وقتی نیروها به کوی رسیدند، فردی با استفاده از اسم رمز ایشان در بی‌سیم یگان ویژه اعزامی اعلام می‌کند که اگر دانشجویان مقاومت کردند، از سلاح گرم استفاده کنید! آقای نظری می‌گوید من بلافاصله بی‌سیم را گرفتم و فریاد زدم که فرمانده منم و هیچ‌کس حق تیراندازی ندارد ولی نمی‌گوید که چه کسی دستور تیراندازی به سمت دانشجویان را داد؟

هم‌رو هر ما عصر ۱۸ تیر به کوی رفتم تا دانشجویان را آرام کنیم، چون احتمال درگیری مجدد می‌رفت. تظاهرات پنجشنبه‌شب شکل گرفت. نیروی انتظامی و لباس‌شخصی‌ها بامداد جمعه وارد کوی شدند و ما عصر جمعه به کوی رفتیم. همان شب با حضور ما در جلوی کوی تیراندازی شد و آقای عزت ابراهیمی‌نژاد تیر می‌خورد که فیلم آن هست و شناسایی ضارب او هم خیلی کار دشواری نیست. به‌هرحال روشن بود که عده‌ای قصد دارند دوباره درگیری ایجاد کنند ولی ما نگذاشتیم دانشجویان از کوی خارج شوند و بهانه به دست لباس‌شخصی‌های سازمان‌یافته و شناخته‌شده بیفتد که همچنان بیرون کوی بودند و مترصد آن که مجدداً به دانشجویان حمله کنند. بعد از جنایت مهاجمان در کوی، اعم از یگان ویژه و لباس‌شخصی‌ها، کمیته‌ای در شورای عالی امنیت ملی تشکیل شد تا به حادثه رسیدگی کند. در جلسات آن کمیته تمام ادعاهای تندروان مبنی بر وجود یک حرکت سازمان‌یافته و از قبل برنامه‌ریزی‌شده در کوی بررسی و معلوم شد که تظاهرات مذکور صد درصد خودجوش و دانشجویی بود و هیچ جریان در حزب سیاسی در برپایی آن نقش نداشت. الان هم بعد از ۱۸ سال اقتدارگراها نتوانسته‌اند برای اثبات مدعای خود درباره ماهیت غیردانشجویی آن اجتماع مدرکی عرضه کنند. همچنین مشخص شد که خطای اصلی را فرماندهان نیروی انتظامی و لباس‌شخصی‌ها انجام دادند؛ اسامی برخی‌شان در گزارش شسورای عالی امنیت ملی آمد که چه کسانی وارد کوی شدند، تیر هوایی زدند و چگونه به ضرب‌وشتم دانشجویان پرداختند. فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ هم عزار و گل را شد همراه مهاجمان محاکمه شود.»

شرق، روزگاری می‌گفتند نام «آزمایش» برای انتخاب کافی است و در تبلیغ بخاری‌های پرترفدار ایرانی آن دوران هم این مصرع از رهی‌معیری خودنمایی می‌کرد که «آتش‌کده را گرمی آغوش تو نیست»؛ این گرمی البته چندان به سرنوشت «آزمایش» و بنیان‌گذارش یعنی «سیدمحسن اشتهاردیان» نیامد و نه خود چندان قدر دید و نه حالا چیزی از آن کارخانه بی‌رقیب در ایران و کم‌رقیب در منطقه، مانده است. داستان زندگی بنیان‌گذار برند آزمایش بی‌شباهت به سرنوشت کارخانه‌اش نیست و حالا هر دو در گوشه‌ای از این کره خاکی به خاک سپرده شدند؛ آقای اشتهاردیان که روزگاری فامیل خود را به آزمایش تغییر داد،

زیر خروارها خاک و در گورستانی در مراکش به خواب ابدی رفته و میرانشش چه در تهران و چه در مرودشت، به تعطیلی و فراموشی دچار شده تا جایی که آخرین خبر از تبدیل کارخانه آزمایش به طولیه و چراگاه حیوانات حکایت داشت. «آزمایش» چگونه راه خود را بی‌بوم و محسن اشتهاردیان چگونه از خاکستر یک آتش‌سوزی، کارخانه‌ای کم‌نظیر در تاریخ صنعت ایران بنا کرد؟

آفرینش: آزمایش چگونه از فقر به کار آفرینی رسید؟

«سیدمحسن اشتهاردیان» که روزگاری با شعار «هر ایرانی یک یخچال در خانه» رویاپردازی می‌کرد و درنهایت هم به خانه‌های ایرانیان نته‌تا یخچال، فرمانده وسیله خانگی دیگر هم فرستاد، درست سال ۱۳۰۴ و در خانواده‌ای فرهنگی ولی فقیر در شرق تهران متولد شد. پدرش روحانی بود و خانواده‌اش هم روحیاتی مذهبی داشتند. روایت‌های مختلف درباره زندگی محسن می‌گوید که وضعیت مالی خانواده آن‌درها قوی نبود تا تمامی فرزندان راهی مدرسه شوند و کسب علم کنند از همین روی محسن تنها چهار سال درس خواند. محسن البته از همان کودکی و شاید بر اثر فقر خانواده، علاقه به کار و کارگاه داشت و در ۱۱سالگی راهی بازار کار و آهنگری شد. روایت‌هایی درباره زندگی این کارآفرین می‌گوید که در همان ۱۱سالگی صاحب کارگاه به محسن اعلام کرده بود که برای «کودکی چنین تحیف مزدی نمی‌دهد» اما محسن تقاضا کرده بود تا مدتی را آزمایشی کاری کند و اگر نظر صاحبکار جلب شد به‌صورت دائم به کار بپردازد. مدت کوتاهی که گذشت، کارفرمایی کارگاه کوچک آهنگری برای او مزد یک‌تومانی در ماه در نظر می‌گیرد و چنین محسن به استخدام آهنگری درمی‌آید.

چهار سال که می‌گذرد، محسن ۱۴۰ تومان اندوخته بود. او مزدها و انعام‌ها را جملگی پس‌انداز کرده بود تا چنین پس‌اندازی را برای دوران سخت زندگی خود باقی گذاشته باشد.

محسن کودکی را به جوانی پیوند داده بود. او در کارگاه آهنگری رشد کرده و زندگی را به سختی آموخته بود. فردی که کودکی را در فقر و نوجوانی را در کنار کوره‌های آتش آهنگری گذرانده بود، کم‌کم به رویاهای بزرگ فکر می‌کرد هرچند هر تغییری را بسیار دور می‌دید. کودکی محسن به نوجوانی و کار وصل شد و در ۱۷سالگی زندگی پای دختری هم به زندگی او با شد و دختری از فامیل را به عقد خود درآورد.

«آزمایش»؛ کارخانه‌ای بناشده بر خاکستر یک آتش‌سوزی

کودکی و نوجوانی محسن متفاوت از هم‌حله‌های خود گذشت و او نه‌چندان در مدرسه آموزش دید و نه به سبک هم‌دوره‌های‌هایش فراغت محسن می‌گوید که وضعیت مالی خانواده آن‌درها قوی نبود تا تمامی فرزندان راهی مدرسه شوند و کسب علم کنند از همین روی محسن تنها چهار سال درس خواند. محسن البته از همان کودکی و شاید بر اثر فقر خانواده، علاقه به کار و کارگاه داشت و در ۱۱سالگی راهی بازار کار و آهنگری شد. روایت‌هایی درباره زندگی این کارآفرین می‌گوید که در همان ۱۱سالگی صاحب کارگاه به محسن اعلام کرده بود که برای «کودکی چنین تحیف مزدی نمی‌دهد» اما محسن تقاضا کرده بود تا مدتی را آزمایشی کاری کند و اگر نظر تولید کند و در همین دوران

هم فامیل خود را از اشتهاردیان به آزمایش تغییر داد. برخی روایت‌ها درباره بنیان‌گذار کارخانه آزمایش می‌گوید که او در سال ۱۳۲۹ روانه ثبت احوال می‌شود و نام آزمایش را برای خود ثبت می‌کند. محسن آزمایش در کارگاه نه‌چندان بزرگ آن‌روزش صندلی تولید می‌کرد و می‌فروخت و تازه کاروبارش داشت رونق می‌گرفت. آزمایش به مرور زمان کارگاه خود را کمی وسعت

اقتصاد

روایتی از زندگی و کار آفرینی «محسن آزمایش» که از هیچ کارخانه ساخت اما قدر ندید

برخاسته از آتش

آتش‌سوزی کارگاه آزمایش در سال ۳۶ پایان قصه نبود و در نهایت کارخانه آزمایش ساخته شد



داد؛ مجموعه‌های «آب‌کاری» صندلی هم به مجموعه سابق افزوده شده بود اما دست روزگار بازی تازه‌ای برای سیدمحسن داشت؛ آتشی از راه رسید و در سال ۱۳۳۶ تمام ساخته‌های محسن در آتشی سوخت. آزمایش از سوختن تمامی دارایی‌های خود سرگشته شده بود. او مدام روایت می‌کرد که چنین جریانی عمدی بوده است ولی خود هم نمی‌دانست که آتش‌زندگان بر زندگی

او چه کسانی بوده‌اند. همین آتش‌سوزی آغاز دوران تازه‌ای در زندگی آزمایش بود. کارگاه کوچک محسن آزمایش سال ۱۳۳۶ سوخت

سال بعد و در سال ۱۳۳۷ و کارخانه‌ای به نسبت بزرگ و ایده‌ای ماندگار جایگزین آن کارگاه و خاکسترهایش شد. از سال ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۴۴ زمانی بسیار نیاز بود تا کارگاه محسن به کارخانه بدل شود و کارخانه نامی برای خود دست‌و‌پا کند.

زمانی نیاز بود تا کارگاه محسن به کارخانه بدل شود و کارخانه نامی برای خود دست‌و‌پا کند. «سیدمحسن اشتهاردیان» که روزگاری با شعار «هر ایرانی یک یخچال در خانه» رویاپردازی می‌کرد و درنهایت هم به چندین وسیله خانگی دیگر که چندین سال پیش در شرق تهران متولد شد، «آزمایش» را مראکش به خاک سپرده شد

کارخانه‌اش به حدود ۳۰ میلیون ریال رسیده بود. این روند رشد روزبه‌روز و سال‌به‌سال بیشتر می‌شد. سال ۱۳۴۷ سرمایه اولیه به ۲۰۰ میلیون ریال رسید و حالا محسن آزمایش یکی از میلیون‌های آن روز تهران شده بود. کارگاه کوچک او در خیابان دماوند تهران در آتش سوخته بود ولی اکنون مجموعه‌ای بزرگ جایگزین کارگاه کوچک شده بود. کمی بعد زمین به مساحت ۱۸۵ هزار متر در

کیلومتر ۱۰ جاده آبعلی خرید تا به مجموعه سابق افزوده شود. این‌گونه کارخانه‌ای بزرگ متولد شد که «آزمایش» نام گرفت. به عبارت دیگر شرکتی که محسن آزمایش با سرمایه‌ای برابر با ۳۰ میلیون ریال به ثبت رساند، در گذر زمان و با رشد و توسعه کار، در سال ۱۳۴۷ به سرمایه‌ای ۲۰۰ میلیون‌ریالی افزایش یافت. در این سال پیش‌بینی فروش محصولات شرکت یک‌میلیارد ریال بود و در همین دوران هم او زمینی به مساحت ۱۸۵ هزار متر در کیلومتر ۱۰ جاده آبعلی، سه‌راه آزمایش خریداری کرد و کارخانه‌ای بنا نهاد که همچنان در تاریخ صنعت ایران نام و نشانی دارد. در این کارخانه چندین نوع یخچال، کولر، آبگرم‌کن، تخت‌خواب فلزی، بخاری و اجاق گاز تولید می‌شد. کم‌کم زیربنای کارخانه از دوهزار متر در سال‌های آغازین، به ۷۳ هزار متر در اواسط سال‌های دهه ۵۰ رسید.

روایت دوران افول یا مرگ در غربت

کارخانه آزمایش و بنیان‌گذارش، به عبارت و نگاهی، سرگذشتی مشترک را پشت‌سر گذاشتند و هر دو درنهایت در غربیگی و در تلخی جان سپردند؛ «محسن آزمایش» در اوایل دهه ۷۰ شمسی و در مراکش درگذشت و کارخانه‌هایش در ایران هم در این دوران سال‌به‌سال به مرگ نزدیک می‌شدند. ماجرا از دوران پس از انقلاب ایران آغاز شد؛ در سال ۱۳۵۸ کارخانه‌های آزمایش مشمول بند ج قانون حفاظت صنایع ایران شدند و محسن آزمایش یک سال پس از ملی‌شدن (مصادره) دارایی‌اش به سوئیس مهاجرت کرد. پس از چند سال، سایر نهادهای دولتی و شبه‌دولتی مثل سازمان خصوصی‌سازی و صندوق بانزستگی از سهامداران بزرگ شرکت شدند.

فعالیت‌های تولیدی شرکت تا اوایل سال ۱۳۸۰ تا حدی رونق داشت و کالاهای جدیدی مانند یخچال سایدبای‌ساید و فریزر بدون برفک به محصولات شرکت اضافه شدند. براساس آمار و اطلاعات منابع موجود دراین‌باره، در همین سال‌ها مجموعه آزمایش از طریق بورس به بخش خصوصی واگذار شد ولی این در حالی است که در آن زمان زبان انباشته شرکت حدود ۱۲٫۵ میلیارد تومان بود. همچنین قیمت هر سهم از شرکت ۱۶۰ تومان بود که ارزش کل شرکت را برابر ۲۵ میلیارد تومان نشان می‌داد. در سال ۱۳۸۸ به دلیل بدهی‌های فراوان تعداد کارکنان واحد مرودشت آزمایش، از هزارو ۴۰۰ نفر به ۱۶۰ نفر کاهش یافت و کارخانه به حالت نیمه‌تعطیل درآمد و نهایتا پس از مدت کمی تعطیل شد و همچنان هم در تعطیلی به سر می‌برد. در این سال‌ها البته چندین بار خانواده و نزدیکان محسن آزمایش تلاش کردند که به میراث و سرمایه پدر کارآفرین خود برسند و بار دیگر چراغ «آزمایش» را روشن کنند اما این اتفاق هیچ‌گاه به سرانجامی خوش نرسید.

نامه فدراسیون صنعت نفت ایران به آیت‌الله رئیسی

حکمرانی نسبت به انتخاب همراهان خود اقدام فرمایید اعلام می‌دارد.	این بخش گردد.
باعث امتنان و انتظار است که جنابعالی در انتخاب وزیر محترم نفت ملاک‌های ذیل را مورد ملاحظه قرار دهید تا مدیری شایسته این وزارتخانه که وظیفه پیشران اقتصاد کشور را به عهده دارد انتخاب و به مجلس محترم معرفی شود که موجب اعتماد و تشویق فعالان	زیرمجموعه، ملاک‌های وزیر منتخب نفت را به شرح ذیل جهت استحضار و بهره‌برداری تقدیم حضور می‌نماید. امید است در آینده شاهد شکوفایی روزافزون صنعت نفت ایران باشیم.
ملک‌های انتخاب وزیر نفت	
ردیف	شاخص ارزیابی
۱	جوان، مؤثر، شایسته و متعهد
۲	سوابق مطلوب، مؤثر و پاکدستی
۳	توانایی تصمیم‌گیری راهبردی و نظارت بر افزایش تولید پایدار نفت خام و گاز طبیعی برای افق ۲۰ساله و ۵ساله
۴	اهتمام به توانمندسازی توان دخال
۵	رونق کسب‌وکار فن‌آوران، نوپا و اکوسیستم آن و تجاری‌سازی
۶	تصمیم‌راسخ به حضور بخش خصوصی در تولید یک‌میلیون بشکه نفت خام توسط شرکت‌های اکتشاف و تولید و تغییر در شرایط عمومی قراردادهای نفتی در جهت تشویق و جذب منابع داخلی و خارجی و بازار سرمایه و صندوق توسعه ملی
۷	برقراری حکمرانی خوب با مشارکت کلیه ذی‌نفعان، پاسخگوبودن، پیاده‌سازی ساز وکارهای ایجاد نهاد رگولاتوری، رفع انحصارات دولتی و طبیعی، ایجاد زمینه رقابت بخش خصوصی، تشویق به افزایش سرمایه‌گذاری
۸	توجه کامل به بازار سرمایه و بورس انرژی بخصوص راه‌اندازی بورس گاز، اوراق نفتی، بورس فروش حامل‌های انرژی ناشی از صرفه‌جویی
۹	توان برقراری و ارتباط نزدیک با رئیس‌جمهور و قیامین دولت و نهادهای حکمیتی و مجلس و ایجاد توازن و هماهنگی برای پیاده‌سازی برنامه‌های خود
۱۰	دارای تجارب در مبادلات نفتی، گازی، مذاکرات بین‌المللی، انعقاد قراردادها و حفظ سهمیه بازارهای نفت ایران
۱۱	داشتن روحیه کار تیمی، توجه به مسئولیت‌های اجتماعی در مقابل شهرها، روستاها، جوانان و زنان مناطق نفتخیز، قطب‌های صنعتی نفتی، اهمیت دادن به اشتغال و توانمندسازی، بهداشت، آموزش و محیط زیست آنها
۱۲	اهمیت دادن به مدیریت کربن و توجه به برنامه‌های بهینه‌سازی مصرف سوخت و گاز و برق
۱۳	دارای توانایی لازم برای تنظیم و ارائه طرح‌های کاهش پاران‌های پنهان انرژی
۱۴	اعتقاد به تکمیل زنجیره ارزش پتروشیمی و صنایع پایین‌دستی و پیاده‌سازی برنامه جیش سوم
۱۵	اهتمام به اجرای طرح‌های توسعه‌ای و ارتقای توان پالیسیگاه‌های کشور
۱۶	دارای دانش، مدیریت روابط دیپلماتیک انرژی در سطح اعضای اوپک و اوپک‌پلاس و تسلط به زبان‌های خارجی برای برقراری این ارتباط
۱۷	توجه به توسعه سرمایه‌های انسانی و آموزش‌های حرفه‌ای و رفاه کارکنان، دارای مقبولیت بین نیروهای عملیات و اجرایی در صنعت نفت، ایجاد همکاری با مدیران متنفذ و قوی در صنعت و تشکله‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد، برقراری هم‌اندیشی بین آنها
۱۸	قدرت و نفوذ لازم برای تجدید ساختار و حذف بوروکراسی‌های زیاد و کاهش تصدی‌های دولتی و تنظیم روابط مالی بین دولت و نفت

خبر

توضیح وزارت نیرو درباره شایعات اخیر در فضای مجازی»

وزیر نیرو کجا زندگی می‌کند؟

● **شرق:** روابط عمومی وزارت نیرو به‌دنبال انتشار شایعاتی در روزهای اخیر توضیحی را برای تویتر افکار عمومی ارائه داد. طبق اعلام وزارت نیرو در چند روز گذشته و به‌دنبال بروز مشکلاتی در تأمین برق برخی نقاط کشور و در شرایطی که همدلی و اعتماد مردم به مسئولین بیش از هر زمان دیگری ضروری است، شاهد گسترش شایعات کذب و بی‌اساس در فضای مجازی و برخی رسانه‌ها مبنی بر اقامت وزیر نیرو در هتل، اقامت خانواده ایشان در خارج از کشور یا سهام‌دار بودن ایشان در شرکت‌های خصوصی بوده‌ایم. تردیدی نیست که انتشار این شایعات بی‌بانه و اساس نه‌تنها کمکی به بهبود وضعیت پیش‌آمده نمی‌نماید، بلکه ممکن است موجب دلسردی مردم کشور از خدمت‌گذارانشان در نظام جمهوری اسلامی گردد. روابط عمومی وزارت نیرو تأکید می‌کند دکتر رضا اردکانیان هرگز حتی برای یک شب در هیچ‌یک از دو شعبه هتل اسپیناس اقامت نداشته و همراه خانواده در منزل شخصی در تهران سکونت دارند. همچنین هرگونه مالکیت یا سهام‌داری ایشان در شرکت‌های خصوصی صحیح نبوده و از اساس تکذیب می‌گردد. وزارت نیرو از تمامی شخصیت‌ها و فعالان رسانه‌ای درخواست می‌کند در زمان‌های که بایست تمام توجه مردم به خواسته مسئولان و دلسوزان کشور در راستای مدیریت مصرف برق معطوف باشد، به این‌گونه شایعات دامن نزنده و وزارت نیرو را در مدیریت و عبور از شرایط پیش‌آمده یاری کنند، ضمن اینکه حق پیگیری موضوع و تعقیب قانونی کسانی که این‌گونه مسائل را مطرح می‌کنند، برای خود محفوظ می‌داند. روابط عمومی وزارت نیرو همچنین آمادگی خود را برای پاسخ‌گویی به هرگونه سؤال و رفع شبهه در این خصوص اعلام می‌کند.

رئیس اتاق ایران در نامه‌ای به رئیس‌جمهور درخواست کرد

مهلت ارائه اظهارنامه مالیاتی تا پایان شهریور تمدید شود

● **شرق:** غلامحسین شافعی، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، درباره تمدید مهلت قانونی اظهارنامه مالیاتی اشخاص حقوقی به رئیس‌جمهور نامه نوشت. در بخشی از نامه شافعی به حسن روحانی آمده است: فعالان اقتصادی بخش خصوصی کشور که با مشکلات بزرگی همچون تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی مواجه بوده‌اند، از سال ۱۳۹۹ با چالش شیوع بیماری همه‌گیر کرونا نیز روبه‌رو شده‌اند. واحدهای تولیدی و خدماتی کشور بر اثر شیوع بیماری مزبور به دفعات در راستای اجراشدن مصوبات ستاد ملی مقابله با کرونا، حفظ سلامتی نیروی انسانی خود و قطع زنجیره شیوع بیماری اقدام به تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی با کاهش نیروی انسانی حاضر در محل کار و به تبع آن کاهش ظرفیت تولید کردند. رئیس اتاق ایران در این‌نامه تصریح کرده که تعطیلی‌ها و کاهش ظرفیت تولید منجر به کاهش شدید درآمد فعالان اقتصادی، افزایش هزینه‌ها و همچنین عدم امکان ایفای به‌موقع تعهدات اداری و مالی بنگاه‌های اقتصادی شده است. شافعی در این نامه از رئیس‌جمهور درخواست کرده مهلت قانونی ارائه اظهارنامه اشخاص حقوقی تا پایان شهریورماه امسال تمدید شود.

سرگردانی ۷۰ مسافر پرواز تهران – تاشکند

● **مهز:** مسافران پرواز ساعت هفت صبح دیروز تهران–تاشکند به‌دلیل ممانعت ترکمنستان از عبور این پرواز از آسمان کشورش، مجبور به فرود در فرودگاه مشهد شده و تا ظهر دیروز مشکل آنها حل‌نشده باقی مانده است. پرواز بامسداد دیروز تهران–تاشکند هوایمایی زاگرس با شماره پرواز ۳۰۵۵ که ساعت ۷:۰۱ از فرودگاه امام خمینی (ره) به مقصد تاشکند برخاسته بود، هنگام ورود به آسمان ترکمنستان با ممانعت طرف ترکمنستانی مواجه شده و مجبور به فرود در فرودگاه شهید هاشمی‌نژاد مشهد شد. گفته شده عدم پرداخت هزینه پرواز‌های عبوری قبلی زاگرس ایر به هوایمایی کشوری ترکمنستان، علت جلوگیری آنها از عبور از آسمان این کشور است؛ درحالی‌که ایران‌سین ایرانی می‌گوید ۱۰ روز قبل هزینه پرواز‌های عبوری را پرداخت کرده و رسید الکترونیکی واریز را به طرف ترکمن ارائه کرده است. کاپیتان منوچهر حاجی‌بنده، مدیرعامل هوایمایی زاگرس، درباره پرواز امروز تهران–تاشکند اظهار کرد: ما از هوایمایی کشوری ترکمنستان مجوز پرواز عبوری امروز فرودگاه امام خمینی (ره) به تاشکند (پایتخت ازبکستان) را اخذ کرده بودیم. وی افزود: ترکمن‌ها به ما گفته بودند آسمان کشور ما برای پرواز عبوری شما باز است؛ رقمی هم بابت پرواز‌های عبوری قبلی از آسمان این کشور به ازبکستان به حساب هوایمایی ترکمنستان واریز کردیم.